نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام
جلد ۸/ شماره ۲/ پیاپی ۱۶/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (۱۰۱-۱۲۱)

نوع مقاله : پژوهشی

مطالعهٔ یافته‌های حاصل از گمانه‌زنی تعیین عرصه و حریم تپه بریس در شهرستان نمین، استان اردبیل

محمداقبال چهری [1*]، اسماعیل سلیمی، رامین چهری، فتانه رحیمی

چکیده

شرق شمال‌غرب ایران (استان اردبیل) با وجود آثار ارزشمند در ادبیات باستان‌شناسی کمتر شناخته شده و گاه‌نگاری پیش از تاریخ و حتی دوران تاریخی آن بر اساس کاوش‌های حوضهٔ دریاچه ارومیه شکل گرفته است. متأسفانه به دلیل نبود مطالعات و پژوهش‌های علمی و روشمند در مورد باستان‌شناسی نمین، اطلاعات چندانی از پیشینه و ادوار مختلف پیش از تاریخ و تاریخی منطقه در دست نیست. یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های شهرستان نمین در استان اردبیل، تپه بریس با ۷ متر ضخامت نهشته‌های فرهنگی در مرکز روستای بریس است که با وجود آسیب‌های بسیار فراوان تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و به صورت میدانی و کتابخانه‌ای است. از اهداف این پژوهش می‌توان به تعیین محدودهٔ عرصه تپه، تلاش برای مشخص کردن فازهای سکونتی و مطالعهٔ انواع یافته های فرهنگی آن اشاره کرد. بر اساس کاوش گمانه‌زنی در تپه بریس مشخص گردید که بیشتر فازهای سکونتی در محوطه متعلق به عصر مفرغ قدیم (کوراارس II) است. پس از آن، شواهدی از دوره‌های سکونتی عصر آهن III، دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) و اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) دیده می‌شود. بیشتر یافته‌های فرهنگی حاصل کاوش نیز شامل: قطعات سفال از دوره‌های یاد شده، دست ابزارهای سنگی از سنگ چرت به همراه دو قطعه سنگ مادر ابسیدین از عصر مفرغ قدیم، بقایای معماری و به ویژه تنور، شواهدی از توکن‌های سفالی و پیکرک‌های سنگی و سفالی انسان و حیوان (گاومیش) و یک قطعه دستبند مفرغی بوده است.

واژه‌های کلیدی: نمین، تپه بریس، گمانه‌زنی، عصر مفرغ قدیم.

.

ارجاع: چهری، محمد اقبال؛ سلیمی، اسماعیل؛ چهری، رامین؛ رحیمی، فتانه. ۱۴۰۲. مطالعهٔ یافته‌های حاصل از گمانه‌زنی تعیین عرصه و حریم تپه بریس در شهرستان نمین، استان اردبیل. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۸(۲): ۱۰۱-۱۲۱.

۱. گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
* نویسنده مسئول: eghbal1262@yahoo.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، ایران.
۳. دانشجوی دکترای باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. دانشجوی دکترای باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

مقدمه

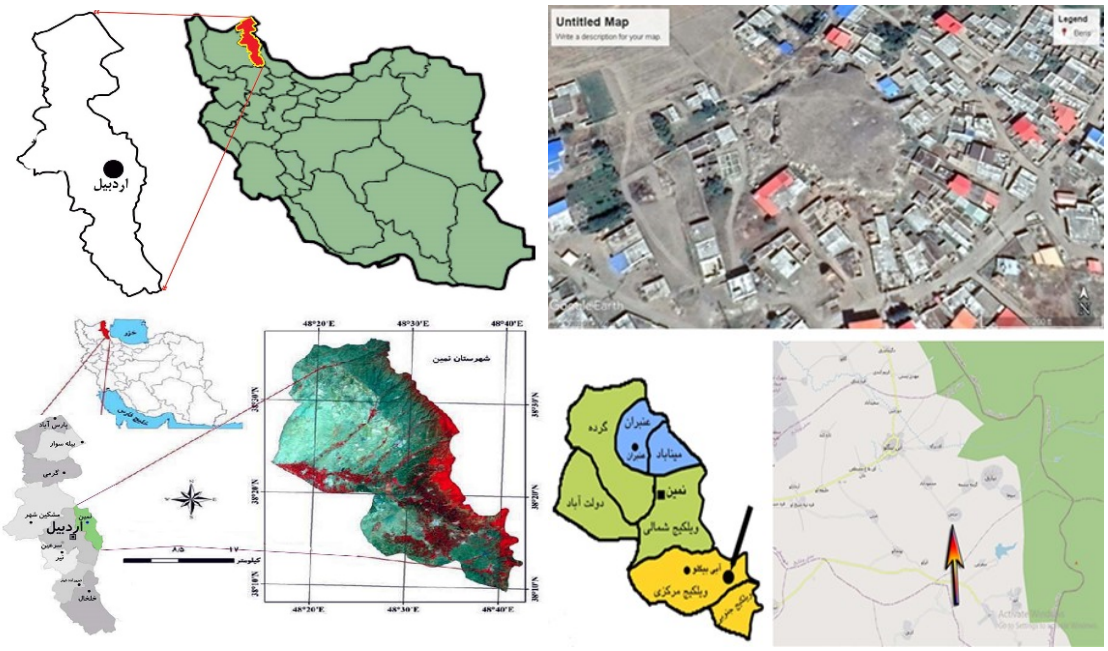
شمال‌غرب ایران به عنوان یک واحد جغرافیایی با مساحتی بیش از صد هزار کیلومترمربع است که از شرق و شمال به ترتیب محدود به دریای خزر و درهٔ رود ارس و کوه‌های قفقاز و از غرب در انتهای شمالی کوه‌های زاگرس از سرزمین‌های بلند و کوهستانی آناتولی جدا می‌شود (آقالاری، ۱۳۹۸: ۵۰). انجام کاوش‌های علمی در این منطقه به ویژه با پروژه حسنلو توسط رابرت دایسون (Dyson, 1965) در دههٔ ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰.م اهمیت دو چندانی یافت و زمینه را برای انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی فراهم کرد (هژبری نوبری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۶-۱۶۵). با توجه به کاوش‌های تپه حسنلو که اساس گاه‌نگاری حوزهٔ شمال‌غربی ایران را تشکیل می‌دهد، سابقهٔ استقرار یکجانشینی در این منطقه از هزارهٔ ششم قبل از میلاد شروع می‌شود و تا دوران تاریخی و اسلامی ادامه می‌یابد که در این بین، توالی استقرار و روندهای تحولات فرهنگی- اجتماعی از عصر مفرغ تا پایان عصر آهن بسیار قابل توجه بوده است (داودی و مشکور، ۱۳۹۸: ۴۸۵-۴۸۴. Sharifi, 2020: 287-303. 2021: 93-116. 2022: 55-81).

شهرستان نمین در شرق استان اردبیل و شرقی‌ترین بخش فلات آذربایجان واقع شده است. این شهرستان با جمعیتی نزدیک به یکصد هزار نفر، به سه بخش مرکزی، عنبران و ویلکیج تقسیم می‌شود. بخش ویلکیج به مرکزیت شهر آبی بیگلو تقریباً نیمه جنوبی شهرستان نمین را در بر می‌گیرد و جاده اصلی اردبیل –آستارا را می‌توان مرز بین بخش مرکزی و بخش ویلکیج دانست (علیزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۳). یکی از محوطه‌های شاخص در بخش ویلکیج و شهرستان نمین، تپه بریس در مرکز بافت روستایی با همین نام است. بر اساس پرونده ثبتی محوطه، تپه بریس در مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۷ به شماره ۷۸۱۹ ثبت شده است. تپه بریس به ارتفاع ۷ متر نسبت به سطح زمین‌های اطراف و ابعاد ۳۰۰ در ۳۰۰ متر، به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محوطه شهرستان نمین معرفی شده است (قنبرزاده، ۱۳۸۱) (شکل ۱). البته پس از مطالعه عکس‌های هوایی، انجام گمانه‌زنی و نقشه‌برداری در تپه بریس مشخص شد که عرصهٔ این محوطه تقریباً مدور ۲۱۶.۰۵ متر در جهت شمالی- جنوبی و ۱۸۷.۹۰ متر در جهت شرقی- غربی است و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن ۱۳۷۸ متر از سطح دریا است. این محوطه از نظر حفاظتی دارای وضعیتی ناپسند بوده و برش‌هایی به ارتفاع بیش از ۶ متر به واسطهٔ خاک‌برداری روستاییان در اطراف آن ایجاد شده است. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و به صورت میدانی و کتابخانه‌ای با هدف دست‌یابی به محدودهٔ عرصه محوطه و تلاش در جهت تشخیص دوره‌های سکونتی آن است، بنابراین علاوه بر تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه که با مجوز ریاست پژوهشگاه صورت گرفت، پرسش‌هایی نیز برای این کار میدانی مدنظر قرار گرفت که شامل: ۱- با توجه به ضخامت زیاد نهشته‌های فرهنگی، فازهای سکونتی در تپه بریس شامل چه دوره‌هایی می‌شوند؟ ۲- یافته‌های فرهنگی به دست آمده از کاوش گمانه‌زنی محوطه شامل چه نوع یافته‌هایی می‌شوند؟

مبانی نظری پژوهش

بنیان نظری برنامه‌های میدانیِ «گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه» بر این فرض استوار است که در نتیجهٔ تغییراتی که بر اثر عوامل مختلف درسیمای چشم‌انداز ایجاد شده بخشی از محدودهٔ اصلی و اولیهٔ محوطه (عرصهٔ واقعی) در طول زمان از دیده‌ها پنهان شده و در نتیجه بر سطح زمین به‌صورت قطعی قابل شناسایی نیست. این عوامل به‌طورکلی به دو دستهٔ عوامل طبیعی و عوامل انسانی دسته‌بندی می‌شوند. مهم‌ترین عوامل طبیعیِ مؤثر در دگرگونی چشم‌انداز که در باستان‌شناسی موضوعیت دارند عبارتند از ریزش‌های جوی، روان‌آب‌های سطحی از جمله سیلاب‌ها، زمین‌لغزش (landslide)، خَزِش خاک (soil creep)، زمین‌لرزه، باد، فرسایش و هوازدگی. روشن است که میزان رُخداد و تأثیر هر یک از این عوامل در چشم‌اندازهای مختلف با هم متفاوت است. عواملِ انسانیِ دخیل در دگرگونی چشم‌انداز بسیار متنوع است؛ از مهم‌ترین این عوامل یا فعالیت‌های انسانی می‌توان به تسطیح زمین، کشاورزی، جنگل‌زدایی، ساخت خانه‌ها، راه‌ها و جاده‌ها، ساخت کانال‌ها، و معدن‌کاوی اشاره کرد. یکی از موضوعات کلیدی در برنامه‌های تعیین عرصه، برافزایی (aggradation) است که اشاره به بالا آمدن سطح زمین بر اثر عوامل مختلف دارد. در واقع، آنچه باعث می‌شود که ما محوطه‌ای را تعیین عرصه کنیم، وجود این فرض است که عرصهٔ ظاهری یا مشهودِ محوطه، لزوماً بیان‌گر عرصهٔ واقعی آن نیست و بنابراین در برنامه‌های تعیین عرصه با ایجاد گمانه در پی یافتن بخش‌های پنهان شدهٔ محوطه هستیم. در برافزایی یک چشم‌انداز عواملی چون سیلاب، روان‌آب‌های سطحی، باد، کوددهی به

زمین‌های کشاورزی، تخریب تپه‌های باستانی و انتقال خاک آن به زمین‌های کشاورزی و غیره نقش دارند. همچنین در این برافزایی عامل زمان نقش مهمی دارد و احتمال دارد که بسیاری از محوطه‌های قدیمی‌تر مثل دورهٔ نوسنگی در زیر رسوبات سپسین دفن شده باشند. یکی از مفاهیمی که داشتن درک درستی از آن در برنامه‌های تعیین عرصه اهمیت زیادی دارد، چشم‌انداز اولیه است. منظور از چشم‌انداز اولیه، وضعیت سطح زمین در زمان آغاز نخستین مرحلهٔ استقراری در محوطه است. در واقع آنچه در گمانه‌های ما به‌عنوان خاک بکر می‌شناسیم، بخشی از همان چشم‌انداز اولیه‌ای است که نخستین استقرار محوطه روی آن شکل گرفته است. اهمیت این مفهوم در این است که به‌لحاظ نظری وقتی در پیرامون یک محوطه، به منظور تعیین بود یا نبودِ عرصهٔ واقعیِ در زیر سطح گمانه می‌زنیم منطقاً یا باید به نهشتهٔ باستانی برجا (یعنی بخشی از عرصهٔ واقعی که از نظرها پنهان است و فقط در زیر سطح وجود دارد) برسیم یا به سطح اولیهٔ چشم‌انداز (روستایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴-۸).



شکل ۱- سمت راست: موقعیت جغرافیایی استان اردبیل بر روی نقشه ایران و شهرستان نمین در استان اردبیل، سمت چپ: عکس هوایی تپه بریس به همراه موقعیت جغرافیایی روستای بریس بر روی نقشه گوگل ارث (نگارندگان)

پیشینه پژوهش

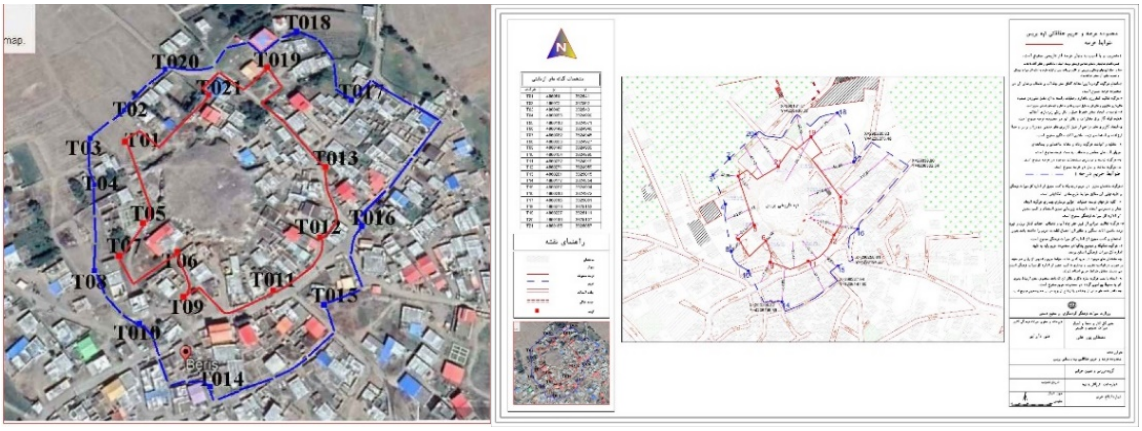
نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ میلادی ژاک دمورگان در اطراف شهر نمین در چندین گورستان که دارای گورهای چهارچینه خرسنگی بودند، کاوش کرد و برای «گاوور قلعه سی «که در نزدیکی این شهر قرار داشت، تاریخ مفرغ جدید را پیشنهاد نمود. گورستان‌های عصر مفرغ جدید که دمورگان در اطراف شهرستان نمین کاوش کرد، شامل گورهایی در کنار روستاهای سولی دره، چیلاخانه، وجالیک، لرداغی، چاقالادره، تاش کوپرو، حسن زمینی، خورخور، چیرچیر و چیرچیرپوری بودند (Demorgan, 1905: 267-305). سپس شیفر بر اساس مهرهای استوانه‌ای به‌دست آمده از گورستان‌های حسن زمینی و آق‌اولر و مقایسه آنها با نمونه‌های هم‌سان در میان‌رودان، تاریخ‌شان را متعلق به سده‌های ۱۵ و ۱۴ ق. م دانست (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳: ۶۷). هیأت باستان شناسی آلمانی طی چندین فصل پی‌درپی در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ میلادی در مناطق مختلفی از آذربایجان شرقی و اردبیل به بررسی باستان‌شناختی پرداختند و تعدادی قلعه و گورستان را مورد شناسایی قرار دادند (Kroll, 1984: 12-14. Kleiss, 1969:188-191). از فعالیت‌های میدانی مهم در استان اردبیل می‌توان به کاوش‌های چندین ساله در محوطه شهریری و قوشا تپه مشکین شهر (هژبری نوبری و پورفرج، ۱۳۸۵)، کاوش در تپه ایدیر دشت مغان در سال ۱۳۸۳ (حصاری و اکبری، ۱۳۸۴)، سه فصل کاوش در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ در قلعه بوینی شهرستان نیر در استان اردبیل با آثاری از دورهٔ مفرغ میانی، هزاره اول ق. م تا دوره صفوی (پورفرج، ۱۳۹۶: ۳۷)، بررسی‌ها و

کاوش‌های دشت اردبیل، مشکین شهر و خلخال (رضالو، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۳)، و شناسایی تعدادی قلعه‌های عصر مفرغ جدید و آهن I در دشت اردبیل (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳) اشاره کرد. در نهایت کاوش‌های قلعه اولتان مغان توسط کریم علیزاده و سپس مهاجری نژاد، کاوش تپه نادری اصلاندوز توسط کریم علیزاده، کاوش قلعه اندبیل توسط روح ا ... محمدی و کاوش و بررسی حاجی‌زاده در قزل قیه و سد اهل ایمان مشکین شهر تقریباً کل فعالیت‌های باستان شناختی انجام شده در محدوده استان اردبیل را شامل می‌شود (علیزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۵). در شمال شهرستان نمین در استان اردبیل، تنها اطلاعات منتشر شده، مربوط به بررسی باستان شناسی است که ۱۷۵ محوطه باستانی از ادوار مختلف، به ویژه پیش از تاریخ شناسایی و ثبت شده است. در جریان این بررسی به استقرارهای عصر مفرغ و آهن، متمرکز بر قلاع استقراری و گورستان‌های وسیع چهارچینه سنگی و کلان سنگی اشاره شده است (علیزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۱). البته این بررسی باستان‌شناسی نیز چون در محدوده شمالی شهرستان نمین متمرکز بوده است، هیچ اشاره‌ای به تپه بریس نداشته است. تنها اطلاعات در دست از تپه بریس متعلق به پرونده ثبتی آن در آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل است که بر اساس آن تپه بریس در مورخ ۱۲/۱۷/ ۱۳۸۱ به شماره ۷۸۱۹ توسط غفار قنبرزاده با آثاری از عصر آهن و دورهٔ اسلامی ثبت شده است (قنبرزاده، ۱۳۸۱).

یافته‌های پژوهش

در گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم تپه بریس، نخست به بررسی سطحی دقیق محوطه و به‌ویژه محدودهٔ پیرامونی آن با هدف به دست آوردن درکی اولیه از عرصهٔ ظاهری محوطه و برآورد دوره‌های استقراری آن از طریق یافته‌های سطحی پرداخته شد. با توجه به این‌که برش‌های انسانی زیادی در اطراف تپه بریس ایجاد شده بود، یافته‌های فرهنگی فراوان و متنوعی در این بررسی سطحی به دست آمد. سپس عکس‌های هوایی قدیمی و تصاویر ماهواره‌ای Google Earth محوطه مورد مطالعه قرار گرفت و نقشهٔ توپوگرافی آن و محدودهٔ پیرامونی تهیه گردید. پس از آن، گمانه‌زنی از مرکز ضلع غربی تپه آغاز شد، دلیل انتخاب شروع گمانه‌زنی در این نقطه از تپه بدین دلیل بود که نخست در این محدوده ساختمان‌سازی وجود نداشت و دوم؛ ارتفاع آن پایین‌تر از ضلع‌های دیگر دامنهٔ تپه بود و دست‌یابی به خاک بکر تپه در این محدوده با عمق کم‌تری امکان‌پذیر بود. متأسفانه آسیب‌هایی جدی به لایه‌های باستانی تپه بر اثر فعالیت‌های انسانی وارد آمده که شامل برش دامنهٔ تپه در چهار جهت و ساخت و سازهای متوالی به ویژه در سال‌های اخیر است. همچنین رسوبات محوطه از نوع رسوبات آواری بوده و بافت غالب تپه از خاک رس، کود، رس و شن‌ریزه تشکیل شده است.

در جریان گمانه‌زنی تپه بریس، در مجموع ۲۱ گمانه در اطراف محوطه با ابعاد (۱×۱ متر، ۱.۵ × ۱.۵ متر و ۱.۵ × ۱ متر) با عمقی بین ۵۰ تا ۱۷۵ سانتی‌متر ایجاد شد که از این تعداد، با ۱۰ گمانه محدوده عرصه به دست آمد و ۱۱ گمانه نیز در محدوده حریم قرار گرفت (شکل ۲). بیشترین تعداد گمانه‌ها در ضلع جنوبی تپه بریس با ۷ گمانه بود که به خاطر نوسان و تغییر خط عرصه در این محدوده است. با توجه به انجام کاوش در این گمانه‌ها می‌توان گفت که محدودهٔ عرصه محوطه در تمامی جهات مورد تخریب و ساخت و ساز قرار گرفته است، اما گستردگی عرصهٔ محوطه در اضلاع شمالی، شرقی و بخشی از جنوب تا جنوب‌شرقی بیشتر بوده و در اضلاع غربی و جنوب‌غربی گسترش کمتری داشته است. در واقع جادهٔ مرکزی روستا در بخش شرقی و شمالی تپه را می‌توان خط جدا کنندهٔ عرصه محوطه در این بخش از محوطه دانست. هم‌چنین گمانه‌های کاوش شده در محوطه نشان داد که بیش‌ترین میزان یافته‌های فرهنگی عصر مفرغ قدیم (کوراارس) در اضلاع غربی و جنوبی بوده است، درحالی‌که گمانه‌های اضلاع شمالی و شرقی دارای بیش‌ترین میزان قطعات سفال اسلامی میانه بود. بنابراین در این مقاله تنها به گمانه‌هایی که در محدودهٔ عرصه قرار داشتند پرداخته می‌شود و از گزارش گمانه‌های حریم که نهشته‌های برجای فرهنگی نداشتند، پرهیز می‌شود. شایان یادآوری است که معمولاً عمق کاوش در گمانه‌های حریم بیشتر بوده ولی در گمانه‌های عرصه به محض برخورد با نهشته‌های برجای فرهنگی و اطمینان یافتن از قرارگیری گمانه در محدودهٔ عرصه، کاوش در آن متوقف گردید.

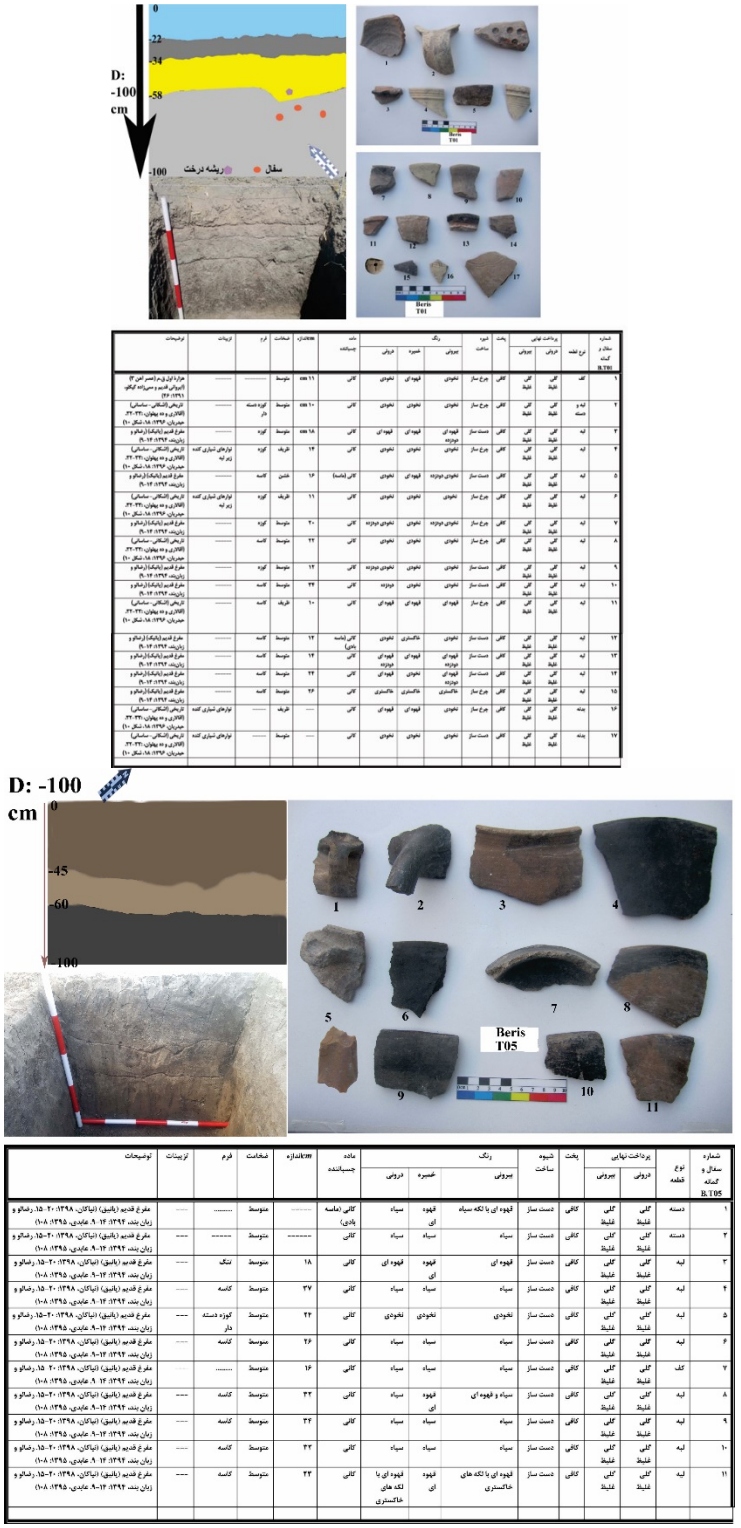


شکل ۲- نقشه توپوگرافی و عکس هوایی محوطه به همراه موقعیت گمانه‌ها با خطوط و قوانین عرصه و حریم (نگارندگان)

کاوش در گمانه T01 در ضلع غربی تپه (ابعاد ۱×۱ متر)، منجر به برداشت ۱ متر نهشته و شناسایی چهار کانتکست گردید. در این گمانه، لایه‌های برجای فرهنگی با یافته‌هایی از قبیل سفال، استخوان، آجر شکسته با سه حفره توخالی بر سطح آن، توکن و ذغال بود. پس از مطالعهٔ یافته‌های سفالی گمانه T01 که بر اساس ویژگی‌های ظاهری چون دست‌ساز یا چرخ‌ساز بودن، فرم ظروف، نوع تزیینات، رنگ، نوع پوشش و غیره بود، می‌توان آن‌ها را به سه دورهٔ زمانی تقسیم‌بندی کرد: گروه اول سفال‌های عصر مفرغ قدیم (کوراارس یا یانیق) که قطعاتی دست‌ساز با رنگ‌های قهوه‌ای و خاکستری و نخودی دودزده و به شکل ظروف دهان باز و یا دهانه بسته (کوزه) بودند. نمونهٔ این نوع ظروف در لایه‌های عصر مفرغ گوی‌تپه، کول‌تپه و کهنه تپه‌سی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است (رضالو و زبان‌بند، ۱۳۹۴: ۱۴-۹). گروه دوم شامل قطعات سفال هزارهٔ اول ق. م و به شکل کوزهٔ دسته‌دار است که دسته در کنار لبه قرار دارد. نمونهٔ مشابه این نوع کوزه‌های دسته‌دار در گورکان‌های جعفرآباد خداآفرین مورد شناسایی قرار گرفته است (ایروانی قدیم و ممی‌زاده گیگلو، ۱۳۹۱: ۴۶)، گروه سوم سفال‌های دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) به رنگ نخودی شامل ظروف کاسه و کوزه مانند است که نمونهٔ مشابه آنها از محوطهٔ تپه کهنه‌پاسگاه و سد احمد بیگلو در مشکین شهر به دست آمده است (آقالاری و ده پهلوان،۳۳-۳۲. حیدریان، ۱۳۹۶: ۱۸، شکل ۱۰). یک توکن سفالی با سوراخی در مرکز و نقش کندهٔ بعلاوه (+) بر آن و قطعه آجری شکسته با حفره‌های توخالی نیز در این گمانه به دست آمد.

کاوش در گمانه T05 به ابعاد ۱×۱ متر در ضلع جنوبی تپه بریس منجر به برداشت ۱۰۰ سانتی‌متر نهشته و شناسایی سه کانتکست گردید. در این گمانه، شواهدی مبنی بر وجود آثار و شواهد برجای باستان‌شناختی و به ویژه قطعات متعدد سفال عصر مفرغ قدیم (کوراراس II-III) به‌دست آمد. یافته‌های فرهنگی گمانه T05 شامل قطعات سفال سیاه و قهوه‌ای دست‌ساز از گونهٔ کوراارس (یانیق) به شکل ظروف دهان باز یا دهان بسته (کوزه‌های ساده یا دسته‌دار) بودند. نمونه‌های مشابه این قطعات از نظرم فرم و شکل ظاهری در محوطه‌های یانیق‌تپه، گوی‌تپه، هفتوان‌تپه، کهنه پاسگاه تپه‌سی، کول‌تپه و تپه چال پیرتاج به دست آمده است (نیاکان، ۱۳۹۸: ۲۰-۱۵. رضالو و زبان بند، ۱۳۹۴: ۱۴-۹. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸. زلقی و آقالاری، ۱۳۸۶. عیلزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۰. شریفی، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۹) مورد شناسایی قرار گرفته است (شکل ۳). برای مطالعات بیشتر در مورد سفال‌های کوراارس منطقهٔ شمال‌غرب ایران به منابع زیر مراجعه شود:

(Brown, 1951. Burney, 1962,1972, 1975. Summers, 1984, 2004. Abedi et al. 2014).



شماره سفال و گمانه B.T05	نوع قطعه	پرداخت نهایی		پخت	شیوه ساخت	رنگ			ماده چسباندنه	اندازه cm	شخامت	فرم	تزئینات	توضیحات
		درونی	بیرونی			بیرونی	خمیره	درونی						
۱	دسته	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	قهوه ای یا لکه سیاه	قهوه ای	سیاه	گالی (ماسه بادی)	------	متوسط	.....	----	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۱۴ ۹. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۲	دسته	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	سیاه	سیاه	سیاه	گالی	------	متوسط	-----	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۳	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	قهوه ای	قهوه ای	قهوه ای	گالی	۱۸	متوسط	تنگ	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۴	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	سیاه	سیاه	سیاه	گالی	۳۷	متوسط	کاسه	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۵	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	نخودی	نخودی	نخودی	گالی	۲۴	متوسط	کوزه دسته دار	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۶	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	سیاه	سیاه	سیاه	گالی	۲۶	متوسط	کاسه	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۷	کف	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	سیاه	سیاه	سیاه	گالی	۱۶	متوسط	.....	----	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۸	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	سیاه و قهوه ای	قهوه ای	سیاه	گالی	۳۴	متوسط	کاسه	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۹	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	سیاه	سیاه	سیاه	گالی	۳۴	متوسط	کاسه	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۱۰	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	سیاه	سیاه	سیاه	گالی	۳۲	متوسط	کاسه	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)
۱۱	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کاملی	دست ساز	قهوه ای یا لکه های خاکستری	قهوه ای	قهوه ای یا لکه های خاکستری	گالی	۲۲	متوسط	کاسه	---	مفرغ قدیم (بالیتی) (اباکان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۲۰. رضالو و زیان بند، ۱۳۹۴: ۹-۱۴. عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)

شکل ۳- تصویری از سکشن گمانه‌های B01 و B05 به همراه عکس یافته‌های آنها و جدول سفال (نگارندگان)

کاوش در گمانه T06 به ابعاد ۱×۱ متر در ضلع جنوبی محوطهٔ بریس منجر به برداشت ۵۰- سانتی‌متر نهشته و شناسایی سه کانتکست گردید. در کف این گمانه، قطعات شکسته‌ای از یک تنور به همراه بقایای خاکستر و ذغال به‌دست آمد که رنگ دیوارهای تنور به دلیل حرارت آتش، قرمز رنگ شده بود. سفال‌های شاخص گمانه T06در سه گروه عصر مفرغ قدیم (کوراارس)، دوران تاریخی (اشکانی-ساسانی) و دوران اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) قابل تقسیم‌بندی است. رنگ بدنهٔ قطعات عصر مفرغی به رنگ سیاه و یا دو رنگ خاکستری و قهوه‌ای و به شکل کاسه‌های دست‌ساز با لبه‌های سادهٔ گرد است که

نمونهٔ مشابه آنها در محوطهٔ قلعه خشه‌حیران (عیلزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۰)، کول‌تپه (عابدی، ۱۳۹۰. رضالو و زبان بند، ۱۳۹۴: ۱۱) و یانیق‌تپه (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴، ۱۷) به دست آمده است. نمونه‌های دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) شامل قطعات چرخ‌ساز به شکل کوزه و دیگچه دودزده با لبه‌های برجستهٔ مایل به بیرون است که با توجه به تنور کف گمانه و دودزده بودن آن‌ها، از نوع ظروف آشپزخانه‌ای می‌باشند (آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و ۳۲. محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). هم‌چنین قطعات لعاب‌دار با نقاشی زیر لعابی از دوران اسلامی میانه که نمونهٔ مشابه آن‌ها از بررسی محوطهٔ سکه‌بین در شهرستان نمین (عیلزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۳) به‌دست آمده است.

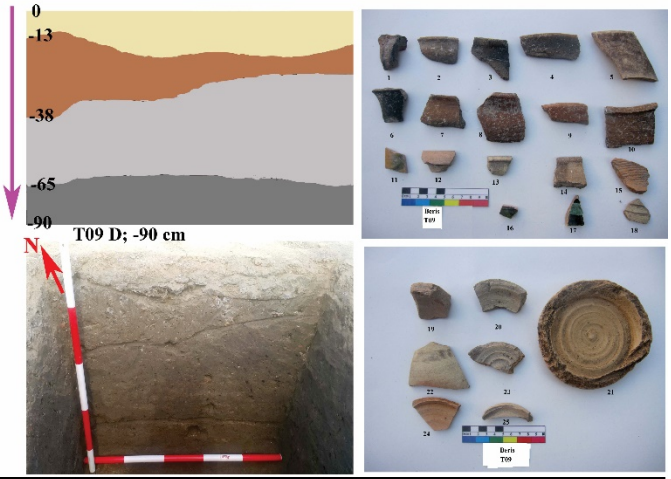
کاوش در گمانه T07 در ضلع جنوبی محوطه، منجر به برداشت ۱۱۰ سانتی‌متر نهشته و شناسایی پنج کانتکست گردید. علاوه بر قطعات سفال، بخشی از یک دیوار سنگی به همراه اجاقی آجری در کف گمانه به‌دست آمد. سفال‌های گمانه T07 مشابه با گمانه‌های قبلی است و می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم‌بندی نمود: ۱. سفال خاکستری و سیاه از گونهٔ کوراارس (یانیق) عصر مفرغ قدیم که در مواردی پوشش سطح بیرونی آن‌ها با لعاب گلی غلیظ و دو رنگ سیاه و قهوه‌ای است. نمونهٔ مشابه این سفال‌ها مانند گمانه T0 در محوطهٔ قلعه خشه‌حیران (عیلزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۰)، کول‌تپه (عابدی، ۱۳۹۰. رضالو و زبان بند، ۱۳۹۴: ۱۱) و یانیق‌تپه (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴، ۱۷) به دست آمده است. ۲. سفال‌های دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) شامل ظروف دسته‌دار نخودی رنگ و بدنه‌های قهوه‌ای-قرمز با طرح نوارهای داغدار افقی است. همچنین یک بدنه ساده از ظروف کاسه‌ای شکل ظریف با لعاب گلی غلیظ قهوه‌ای و خمیرهٔ خاکستری رنگ از گونهٔ ظروف جلینکی نیز در بین یافته‌های گمانه وجود داشت (آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و ۳۲. محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). بیشتر یافته‌های فرهنگی این گمانه را می‌توان قطعات سفال از دوران اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) دانست که شامل ظروف لعاب‌دار ساده با لعاب‌های سبز و زرد رنگ است که مواردی از قطعات با نقاشی زیرلعاب و نقاشی دو رنگ در بین آن‌ها وجود دارند. نمونه‌های مشابه سفال‌های منقوش اسلامی میانه در محوطه‌های همدان (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶، ۱۱۳)، انداجین (رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۶-۱۵۵)، زینوآباد همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲)، ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹-۷۷)، مالین (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶)، نچیرخانلق ری (مهجور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۸۷)، کاروانسرای ایلخانی بیستون (لوشای، ۱۳۸۵: ۳۴۸) و محوطهٔ کنگاور (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۲۹۷) به‌دست آمده است.

کاوش در گمانه T09 در ضلع جنوبی محوطه، منجر به برداشت ۹۰ سانتی‌متر نهشته و شناسایی چهار کانتکست گردید. در عمق‌های مختلف این گمانه، یافته‌های فرهنگی چون ابزارهای سنگی، قطعات سفال، استخوان و زغال به‌دست آمد. مهم‌ترین یافتهٔ فرهنگی از کانتکست 904 در کف گمانه به دست آمد که پیکرکی حیوانی از جنس سفال بود. یافته‌های فرهنگی T09 شامل قطعات سفال و ابزار سنگی و یک پیکرک حیوانی احتمالاً گاومیش از سفال بود. یافته‌های سفالی این گمانه شامل قطعات دست‌ساز از ظروف دهان باز و دهان بسته یا گردن‌دار به رنگ‌های قهوه‌ای، خاکستری و سیاه از نوع کوراارس (عصر مفرغ) بودند. نمونهٔ مشابه این قطعات در گمانه‌های قبلی و هم‌چنین در محوطهٔ قلعه خشه‌حیران (عیلزاده سولا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۰)، کول‌تپه (عابدی، ۱۳۹۰. رضالو و زبان بند، ۱۳۹۴: ۱۱)، تپه چال پیرتاج (شریفی، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۹) و یانیق‌تپه (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴، ۱۷) به دست آمده است. دستهٔ دوم سفال‌های چرخ‌ساز سادهٔ دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) هستند (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۲۶۸-۲۵۷. آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و ۳۲. محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). دستهٔ سوم سفال‌های چرخ‌ساز دوران ساسانی - اوایل اسلامی هستند که بر روی بدنهٔ برخی از آن‌ها شیارهای موازی کنده‌کاری دیده می‌شوند (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۹-۲۵۷). دستهٔ چهارم سفال‌های اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) با تکنیک اسگرافیاتو و نقاشی زیرلعاب تک‌رنگ و دو رنگ است (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۳). همچنین تعدادی سفال‌های اسلامی متأخر بدون لعاب نیز در بین یافته‌های سفالی گمانه T09 وجود داشت (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۲. رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۵- ۱۵۴). در مجموع تعداد ۲۳ قطعه دست ابزار سنگی در این گمانه T09 به دست آمد که شامل ۹ عدد سنگ مادر، ۳ قطعه برداشته و ۱۱ قطعه ابزار هستند. سنگ مادرها به شکل سنگ مادرهای تراشه و تیغه یک سویه یا چند وجهی است. ابزارها شامل تیزه ۲ عدد، اسکنه ۳ عدد، مته ۲ عدد، کنگره‌دار ۲ عدد، خراشنده یک‌سویه و دندانه‌دار نیز هر کدام ۱ عدد است. همچنین یک قطعهٔ ناقص و نیمه کروی شکل از یک شیء سفالی به دست آمده که بر سطح آن دوایر کم عمق و نقطه‌های

عمیق‌تری به صورت فشرده در کنار هم‌دیگر حکاکی شده است. طرح روی این قطعه، احتمال انتساب آن به یک ژتون یا بولای سفالی را نشان می‌دهد، اما به دلیل ناقص بودن نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد (شکل ۴).

گمانهٔ T011 با ابعاد ۱×۱/۵ متر در ضلع شرقی محوطهٔ بریس، منجر به برداشت ۹۵ سانتی‌متر نهشته و شناسایی چهار کانتکست گردید. در کف این گمانه و در بافتی برجا، قطعاتی از سفال‌های لعاب‌دار منقوش با نقش کنده و نقوش زیرلعابی به دست آمد. در این گمانهٔ تعدادی قطعات شاخص سفال لعاب‌دار منقوش و ساده با لعاب رنگی قهوه‌ای و سبز به دست آمده که برخی از آن‌ها با تکنیک‌های اسگرافیاتو و نقاشی زیر لعاب تزیین شده‌اند. تمامی قطعات سفال گمانهٔ T011 از گونهٔ سفال‌های دوران اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) هستند. نمونه‌های مشابه سفال‌های منقوش اسلامی میانه در محوطه‌های همدان (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶، ۱۱۳)، انداجین (رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۶-۱۵۵)، زینوآباد همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲)، ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹-۷۷)، مالین (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶)، نچیرخانلق ری (مهجور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۸۷)، کاروانسرای ایلخانی بیستون (لوشای، ۱۳۸۵: ۳۴۸) و محوطهٔ کنگاور (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۲۹۷) به دست آمده است.

کاوش در گمانه T012 با ابعاد ۱×۱ متر در ضلع شرقی تپه، منجر به برداشت ۱۱۰ سانتی‌متر نهشته و شناسایی سه کانتکست گردید. در این کانتکست، علاوه بر قطعات سفال، یک پیت (چاله زباله) در عمق ۹۰- سانتی‌متری دیده شد. کاوش در گمانه T013 با ابعاد ۱×۱ متر در ضلع شمالی تپه، منجر به برداشت ۱۷۵ سانتی‌متر نهشته و شناسایی ۹ کانتکست گردید. در کانتکست‌های 1308 و 1309 (عمق ۱۳۰- تا ۱۷۵- سانتی متر)، نهشته‌های برجای فرهنگی به همراه ذغال، بقایای تنور، خاکستر و قطعات سفال به‌دست آمد. یافته‌های فرهنگی گمانه T012 شامل قطعات سفال، ابزار سنگی و استخوان است. ابزارهای سنگی گمانهٔ T012 شامل تیزهٔ مثلثی شکل، مته و خراشندهٔ یک‌سویه از سنگ چرت است. یافته‌های سفالی گمانهٔ T012 نیز مانند سایر گمانه‌های عرصه بود، شامل قطعات سفال خاکستری و قهوه‌ای عصر مفرغ (کوراارس) است (زبان بند، ۱۳۹۴: ۱۱. نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴، ۱۷). بیشتر قطعات سفالی این گمانه متعلق به دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) هستند که به صورت قطعات چرخ‌ساز نخودی و قهوه‌ای رنگ بوده که در برخی از آن‌ها نیز نقوش کنده‌ای مانند شیارهای موازی یا نقوش کندهٔ افقی و اریب شبیه به نقوش سفال‌های دورهٔ ساسانی دیده می‌شود (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳: ۱۲۴. لباف خانیکی، ۱۳۸۷ :۱۷۱-۱۷۰). هم‌چنین یک قطعه بدون لعاب با مشخصات سفال‌های اسلامی میانه (محمدی و شعبانی،۱۳۹۵: ۱۴۰. زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶- ۱۱۳) به دست آمده است.



شماره سفال و گمانه B.T09	نوع قطعه	پرداخت نهایی		پخت	شیوه ساخت	رنگ			ماده جسمانه	ضخامت cm	شماره	فرم	تزیینات	توضیحات
		درونی	بیرونی			بیرونی	خمیره	درونی						
۱	دسته	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه‌ای و خاکستری	قهوه‌ای	قهوه‌ای	کافی	----	متوسط	----	----	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۲	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه‌ای	قهوه‌ای و خاکستری	قهوه‌ای و خاکستری	کافی	cm ۱۸	ظریف	کاسه	----	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۳	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	نخودی و خاکستری	خاکستری	خاکستری	کافی	۱۴	متوسط	کوزه	نوارهای افقی و منتهی روی بدنه زیرگراگی بر روی لبه	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۴	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	خاکستری و قهوه‌ای	خاکستری و قهوه ای	خاکستری و قهوه ای	کافی	۲۶	متوسط	کوزه	----------	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۵	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی دوازده	قهوه‌ای	نخودی	کافی (پاسه)	۲۱	متوسط	کاسه	نوارهای شیاری کنده	اواخر تاریخی- اوایل اسلامی (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۶-۲۵۷)
۶	دسته	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	سیاه	سیاه	سیاه	کافی	----	متوسط	----	----	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۷	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه ای و خاکستری	قهوه‌ای و خاکستری	قهوه‌ای و خاکستری	کافی	۲۰	متوسط	کوزه	-------	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۸	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه ای	قهوه‌ای	قهوه ای	کافی	۳۰	متوسط	کاسه	----	تاریخی (اشکانی ساسانی) [کلاته‌خان‌قرد، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۶۸، آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۸-۳۹ و ۳۲]
۹	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه ای	قهوه‌ای	قهوه ای	کافی	۲۴	متوسط	کوزه	----	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۱۰	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه ای	قهوه‌ای	قهوه ای	کافی	۱۹	متوسط	تنگه	----	مفرغ قدیم (بایکه) [رخداد و زمان بند، ۱۳۹۴: ۱۱، نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۱۱	بدنه	کالی غلیظ	لعاب رنگی	کافی	چرخ ساز	قهوه ای	قهوه‌ای	لعاب رنگی سبز و زرد	کافی	------	ظریف	------	نوار فرمز زیرگراگی بر سطح بیرونی	اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۳)
۱۲	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	قهوه ای	قهوه‌ای	قهوه ای	کافی	۱۰	ظریف	کوزه	----	تاریخی (اشکانی ساسانی) [کلاته‌خان‌قرد، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۶۸، آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۸-۳۹ و ۳۲]
۱۳	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	۱۴	ظریف	کوزه	----	تاریخی (اشکانی ساسانی) [کلاته‌خان‌قرد، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۶۸، آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۸-۳۹ و ۳۲]
۱۴	لبه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی با تکه قهوه ای	نخودی با تکه خاکستری	نخودی با تکه خاکستری	کافی	۲۴	متوسط	کاسه	----	تاریخی (اشکانی- ساسانی) [کلاته‌خان‌قرد، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۶۸، آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۸-۳۹ و ۳۲]
۱۵	بدنه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	قهوه ای	قهوه‌ای	قهوه ای	کافی	------	متوسط	------	نوارهای شیاری کنده	اواخر تاریخی- اوایل اسلامی (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۶-۲۵۷)
۱۶	بدنه	لعاب رنگی	لعاب رنگی	کافی	چرخ ساز	لعاب رنگی سبز	نخودی	لعاب رنگی سبز	کافی	----	ظریف	----	اسگرافیاتو	اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۳)
۱۷	بدنه	لعاب رنگی	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	لعاب رنگی شفاف	کافی	----	متوسط	----	نوار قو رنگ زیر لعاب شفاف	اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۳)
۱۸	بدنه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	------	ظریف	------	نوار کنده	اواخر تاریخی- اوایل اسلامی (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۶-۲۵۷)
۱۹	کف	کالی غلیظ	کالی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	۱۴	خشن	----	----	اسلامی متاخر(زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۲، رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۵۴)
۲۰	کف	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	۱۰	متوسط	----	----	اسلامی میانه (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۴۰)
۲۱	کف	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	۱۱	خشن	----	----	اسلامی متاخر(زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۲، رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۵۴)
۲۲	بدنه	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	----	متوسط	----	نوارهای شیاری کنده	اواخر تاریخی- اوایل اسلامی (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۶-۲۵۷)
۲۳	کف	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	۸	متوسط	----	----	اسلامی متاخر(زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۲۲، رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۵۴)
۲۴	کف	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	قهوه‌ای	قهوه‌ای	نخودی	کافی	۱۶	ظریف	----	----------	اسلامی میانه (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۴۰)
۲۵	کف	کالی غلیظ	کنی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کافی	۸	ظریف	----	----	اسلامی میانه (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۴۰)

شکل ۴- تصویری از سکشن گمانه B09 به همراه عکس یافته‌های سفالی آن و جدول سفال (نگارندگان)

کاوش در گمانه T013 با ابعاد ۱×۱ متر در ضلع شمالی تپه، منجر به برداشت ۱۷۵ سانتی‌متر نهشته و شناسایی ۹ کانتکست گردید. در این گمانه نیز در عمق ۱۳۰- تا ۱۷۵- سانتی متر، نهشته‌های برجای فرهنگی از جمله دغال، بقایای تنور به همراه خاکستر و قطعات سفال به‌دست آمد. در گمانه T013 نیز ۱۶ قطعه سفال شاخص به دست آمد که شامل دو قطعه لبهٔ دست‌ساز خاکستری و قهوه‌ای رنگ به شکل کوزه و دیگچه‌های عصر مفرغ (کورارس) است. مشخصات این دو نمونه کاملاً مشابه با قطعات سفالی عصر مفرغ در سایر گمانه‌های عرصه قابل مقایسه است (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷- ۱۴). دستهٔ دوم سفال‌های این گمانه شامل سه قطعه لبهٔ چرخ‌ساز با مشخصات سفال‌های عصر آهن است که نمونهٔ مشابه آن‌ها در لایه‌های عصر آهن محوطه‌های یانیق‌تپه (Summers, 2013: fig.21)، تپه‌های ربط ۱ و ۲ (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۳۵، ۲۳۸)، محوطهٔ گورینگان (سرخ‌آبی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۲۱۳) و آناقزلی تپه (Heinsch, 2019: 106-109) به دست آمده است. همچنین ۷ قطعه سفال چرخ‌ساز با مشخصات دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) به شکل کاسه و ظروف دسته‌دار و لوله‌دار به دست آمده است که مشخصات ظاهری و شکل آن‌ها قابل مقایسه با محوطهٔ کهنه پاسگاه تپه‌سی (آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و

۳۲. محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰. علی‌دادی، ۱۳۹۵: ۸۱) است. در نهایت قطعات لعاب‌دار اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) با تکنیک نقاشی زیر لعاب، اسگرافیاتو و نقش سیاه زیر لعاب آبی فیروزه‌ای است (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲، ۱۴۵) (شکل ۵).

گمانه T019 در ضلع شمالی- شمال‌غربی محوطهٔ بریس، منجر به برداشت ۴۰ سانتی‌متر نهشته از داخل یک تنور و شناسایی دو کانتکست گردید. در این گمانه تنوری مملو از خاکستر، مواد فرهنگی و ... قرار داشت که با توجه به یافته‌های سفالی در داخل تنور، هواکش و شکل کلی تنور می‌توان آن را سازه‌ای متعلق به دوران اسلامی میانه دانست. گمانهٔ T019 شامل یک تنور از دوران اسلامی میانه است که ۹ قطعه سفال شاخص در آن به دست آمد. از بین آن‌ها یک قطعهٔ دست‌ساز به رنگ سیاه و قهوه‌ای از ظرفی کوزه‌ای شکل متعلق به عصر مفرغ (کوراارس) بود (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷- ۱۴). سایر قطعات (۸ قطعه) متعلق به قطعات لعاب‌دار و بدون لعاب از ظروف کوزه وکاسه‌ای شکل از دوران اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) هستند. برخی از این قطعات با تکنیک نقاشی چند رنگ روی لعاب، اسگرافیاتو و نقوش استامپی تزیین شده بودند (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲، ۱۴۵. رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۶-۱۵۵). همچنین یک ظرف کوزه‌ای شکل چرخ‌ساز و نخودی رنگ در کف تنور به حالتی دست نخورده یافت شد.

گمانهٔ T021 در ضلع غربی – شمال‌غربی محوطهٔ بریس و کاوش در این گمانه T021 منجر به برداشت ۱۱۰ سانتی‌متر نهشته و شناسایی سه کانتکست گردید. در این گمانه نیز یافته‌های فرهنگی هم‌چون قطعات سفال و زغال قابل مشاهده بود (شکل ۳). یافته‌های فرهنگی گمانهٔ T021 مانند بیشتر گمانه‌های عرصهٔ محوطه، شامل قطعات سفال به دست آمده از دوره‌های عصر مفرغ (کوراارس)، دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) و اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) بود. مجموع قطعات شاخص گمانه شامل ۱۶ قطعه که ۳ قطعه از آن‌ها از گونهٔ ظروف دهانه باز کاسه‌ای شکل و به رنگ خاکستری و قهوه‌ای بود. این قطعات سفال از گونهٔ کوراارس (یانیق) بودند که نمونه‌های قابل مقایسه با این ظروف در گوی تپه، یانیق تپه و کول تپه دیده شده است (رضالو و زبان‌بند، ۱۳۹۴: ۱۴-۹). ۸ قطعه از این قطعات گردآوری شده نیز متعلق به دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) است که به شکل ظروف دهانه بسته و دهان باز چرخ ساز به رنگ قهوه‌ای و یا لوله‌دار هستند که نمونه‌های هم‌سان آن در محوطهٔ اشکانی تپه کهنه پاسگاه تپه‌سی به‌دست آمده است (آقالاری و ده پهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۷). از مجموع سفال‌های شاخص گمانه، ۵ قطعه نیز متعلق به دوران اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) است که با قطعات سفال‌های اسلامی میانه در گمانه‌های قبلی هم‌سان بوده و شامل قطعات لعاب‌دار منقوش با نقوش اسگرافیاتو، نقاشی زیر لعاب و نقوش کندهٔ قالبی است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹-۷۷. زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶- ۱۱۳).



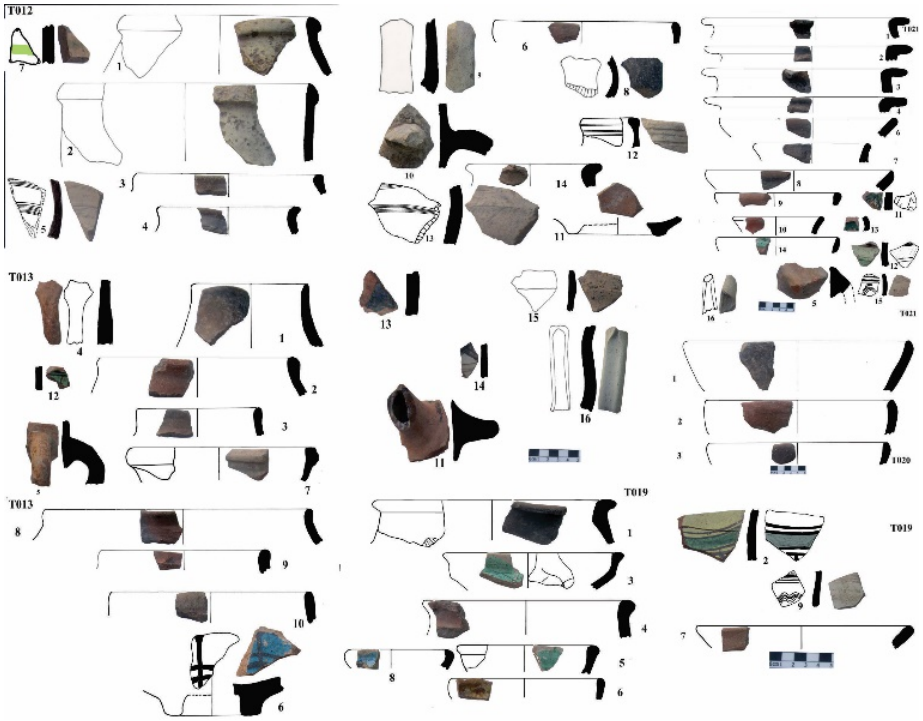
شماره سفال و گمانه B.T013	نوع قطعه	پرداخت نهایی: درونی	پرداخت نهایی: بیرونی	پخت	شیوه ساخت	رنگ: بیرونی	رنگ: خمیره	رنگ: درونی	ماده چسباننده	اندازه cm	ضخامت	فرم	تزیینات	توضیحات
۱	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	دست ساز	نخودی مایل به خاکستری	نخودی	نخودی مایل به خاکستری	کانی	۱۱	متوسط	کوزه	———	مفرغ قدیم (یانیک) (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۲	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	قهوه ای	خاکستری	قهوه ای	کانی	۱۸ cm	متوسط	تنگ	———	عصر اهن (Summers, 2013: fig.21. Heinsch, 2019: 106-109)
۳	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه ای	نخودی	سیاه	کانی	۱۱	متوسط	کوزه	———	مفرغ قدیم (یانیک) (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴)
۴	دسته	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	———	———	———	———	دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) (آقالاری و دهپهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و۳۲، محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰)
۵	دسته	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	———	———	———	———	دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) (آقالاری و دهپهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و۳۲، محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰)
۶	کف	لعاب رنگی	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	لعاب آبی فیروزه ای	کانی	۹	خشن	———	نقش سیاه زیر لعاب آبی فیروزه ای	اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲: ۱۴۵)
۷	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	قهوه ای	قهوه ای	کانی	۱۸	متوسط	کاسه	———	دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) (آقالاری و دهپهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و۳۲، محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰)
۸	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	قهوه ای	نخودی	قهوه ای	کانی	۲۴	متوسط	کوزه	———	عصر اهن (Summers, 2013: fig.21. Heinsch, 2019: 106-109)
۹	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	قهوه ای	خاکستری	قهوه ای	کانی	۱۶	متوسط	کوزه	———	عصر اهن (Summers, 2013: fig.21. Heinsch, 2019: 106-109)
۱۰	لبه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	۲۰	متوسط	کاسه	———	دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) (آقالاری و دهپهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و۳۲، محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰)
۱۱	لوله	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	دست ساز	قهوه ای	قهوه ای	قهوه ای	کانی	———	متوسط	———	———	دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) (آقالاری و دهپهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و۳۲، محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰)
۱۲	بدنه	لعاب رنگی	لعاب رنگی	کافی	چرخ ساز	لعاب رنگی سبز	نخودی	لعاب رنگی سبز	کانی	———	ظریف	———	اسگرافیاتو	اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲: ۱۴۵)
۱۳	بدنه	لعاب رنگی	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	قهوه ای	قهوه ای	لعاب رنگی مات	کانی	———	متوسط	———	نقاشی زیر لعاب	اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲: ۱۴۵)
۱۴	بدنه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	———	ظریف	———	نوار هندسی تیره	اسلامی میانه (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲، ۱۴۵)
۱۵	بدنه	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	———	متوسط	———	نوار خطی افزوده	دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) (آقالاری و دهپهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و۳۲، محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰)
۱۶	دسته	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی	دست ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	———	متوسط	———	———	دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) (آقالاری و دهپهلوان، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸ و۳۲، محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ تصویر ۱۰)

شکل ۵- تصویری از سکشن گمانه B013 به همراه عکس یافته‌های سفالی آن و جدول سفال (نگارندگان)

بیشتر یافته‌های فرهنگی حاصل از کاوش گمانه‌ها شامل قطعات سفال بود، اما دست ابزارهای سنگی، فیچرهای معماری و تنور، پیکرک، توکن و غیره نیز در جریان این گمانه‌زنی به دست آمد. در نهشته‌های سطحی یا مضطرب گمانه‌های حریم نیز مواد فرهنگی مختلفی به دست آمده که شامل: سفال‌های دست‌ساز قهوه‌ای تا خاکستری و سیاه دودزده از نوع کوراارس (عصر مفرغ)، قطعات سفال چرخ‌ساز ساده با شاموت کانی و پخت کافی از دوران تاریخی (اشکانی- ساسانی) در طیفی از رنگ‌های قهوه‌ای- قرمز و نخودی، ظروف لعاب‌دار از نوع اسگرافیاتو و نقاشی زیر لعاب متعلق به دورهٔ اسلامی میانه است. همچنین یک تیزه با تکنیک لوالوا، ابزارهای سنگی کنگره‌دار/ دندانه‌دار، مته، خراشنده انتهایی، یک سنگ مادر از جنس ابسیدین و یک گلولهٔ فلاخن سنگی از دیگر یافته‌های سطحی این گمانه‌ها بود. علاوه بر این، آثار فرهنگی متنوع و فراوانی در دامنه‌های برش خوردهٔ تپه مانند تدفین انسانی، سربارهٔ سفال، بقایای معماری به شکل کف، دیوارهای خشتی و سنگی، پیکرک‌های انسانی و حیوانی به دست آمد (شکل ۶-۱۱).



شکل ۶- توکن‌های سفالی و استخوانی و بخشی از یک گلوله (بولای) گلی با علائم هندسی کنده شده بر روی آن بیانگر نظام حساب‌داری در تپه بریس (نگارندگان)

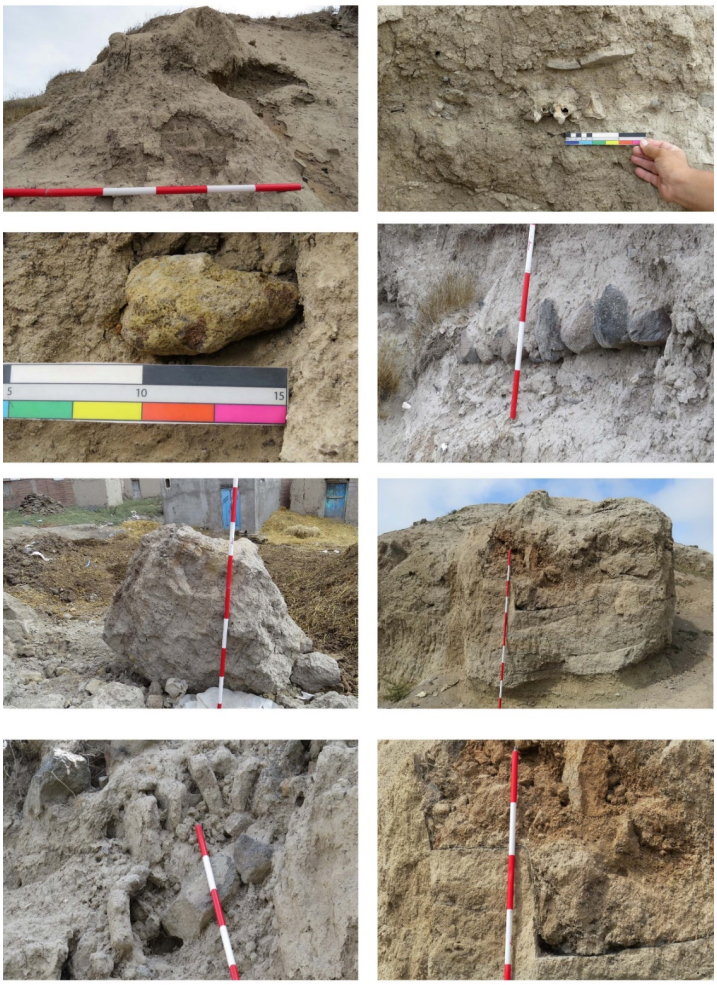




شکل ۷- طرح سفال‌های به دست آمده از گمانه‌های محدودهٔ عرصه در تپه بریس (نگارندگان)



شکل ۸- پیکرک سفالی گاومیش به دست آمده از گمانهٔ ۹ (نگارندگان)



شکل ۹- دامنه برش خوردهٔ تپه بریس با آثاری از تدفین انسانی، سربارهٔ سفال، بقایای معماری به شکل کف و دیوارهای خشتی و سنگی (نگارندگان)



شکل ۱۰- دامنه برش خوردهٔ تپه بریس با آثاری از قطعات سفال کوراارس و دستبند مفرغی (نگارندگان)



شکل ۱۱-یافته‌های فرهنگی به دست آمده از دامنه برش خوردهٔ تپه (نگارندگان)

نتایج

یافته‌های فرهنگی گمانه‌های تپه بریس بیشتر شامل قطعات سفال بودند. گروه زیادی از آن‌ها به سفال‌های خاکستری و قهوه‌ای از عصر مفرغ قدیم (کوراارس یا همان یانیق) تعلق داشتند. در واقع، با توجه به دیوارهای برش خوردهٔ تپه و گمانه‌های کاوش شده، می‌توان تپه بریس را یکی دیگر از محوطه‌های کوراارس در شمال‌غربی ایران دانست. فرهنگ کوراارس در بازهٔ زمانی نیمهٔ هزارهٔ چهارم تا نیمهٔ هزارهٔ سوم پیش از میلاد با هویتی کاملاً جدید از نظر فناوری، فرهنگ مادی و اجتماعی به همراه سفال‌های خاکستری دست‌ساز و داغ‌دار در مناطق بسیار وسیعی از قفقاز، شرق آناتولی و بخش‌هایی از فلات ایران گسترش یافته بود (Palumbi, 2013: 113. Rothman, 2015: 9190). منشأ این تغییرات را می‌توان بیرونی و ماحصل جابه‌جایی‌های جمعیتی ناشی از مهاجرت از سرزمین‌های بومی قفقاز به سمت سرزمین‌های جنوبی دانست. این فرهنگ هرچند دارای خاستگاه مشترک بوده، اما نباید الگوهای فرهنگ‌های محلی را نادیده انگاشت؛ چرا که این فرهنگ دارای پهنهٔ وسیع جغرافیا و شرایط زیستی متنوع می‌باشد که پس از مدتی الگوهای محلی در آن تأثیر گذارده و مواد فرهنگی تا حدودی رنگ و بوی محلی پیدا کرده‌اند (شریفی، ۱۴۰۰: ۳۰، ۴۶). جوامع کوراارس در دهکده‌های کوچک متشکل از خانه‌های تک اتاقی یا دو اتاقی با مصالح مختلف زندگی می‌کردند و بناهای یادمانی با کارکردهای آیینی، تشریفاتی یا اداری وجود نداشته است (Sagona, 1993: 454, 466). در دیوارهای برش خوردهٔ تپه بریس نیز بقایای معماری پیچیده و بزرگ به چشم نمی‌خورد و بقایای معماری شامل یک معماری مسکونی ساده و کوچک است. داده‌های کنونی نشان می‌دهند که جوامع کوراارس بر پایه یک اقتصاد کشاورزی و دامداری مبتنی بر کشاورزی غلات و بر اساس استراتژی‌های غیرتخصصی اما نسبتاً متنوع دامپروری بنا شده‌اند (Palumbi, 2013: 115).

چارلز برنی کاوش‌گر یانیق‌تپه این فرهنگ را به سه دوره اول، دوم و سوم تقسیم‌بندی کرده است و ویژگی سفال‌های کوراارس را دست‌ساز با رنگ خاکستری تیره یا سیاه براق و قهوه‌ای روشن با سطوح صیقلی معرفی می‌کند (Burney,1961). ساخت ظروف سفالی با لبهٔ ریلی شکل در دورهٔ اول کوراارس رواج داشت و در این دوره هنوز ظروف دسته نخجوانی توسعه نداشته است. سفال‌های کوراارس I در بیشتر محوطه‌های قفقاز، حاشیهٔ شرقی آناتولی و گوی تپهٔ K1 به دست آمده است. سفال‌های کوراارس II با رواج ظروف دستهٔ آرنجی و دستهٔ نخجوانی نیم دایره‌ای شناخته می‌شود. ظروف لبه ریلی در این دوره متروک

می‌شود. همچنین تزیینات موسوم به چشم و نقوش هندسی مثلثی کنده دیده می‌شود. کاربرد بسیار گستردهٔ نقوش هندسی لوزی، نوارهای زیگزاگ، نقوش مارپیچی و موج‌دار، نردبانی، تزیینات نقطه‌پردازی شده و مثلث‌های به هم پیوسته و نقوش جانوری و پرندگان و غیره دیده می‌شود. گاهی نیز محل خالی نقوش کنده را خمیری سفید رنگ از گچ یا آهک پُر کرده‌اند. سفال‌های کوراارس II از یانیق‌تپه، گوی‌تپه K1، تپه یاخلولی، روازتپه، هفتوان VII و گودین IV به دست آمده است. کوراارس III با سفال‌هایی با ترئینات کنده شده و نقش مارپیچ و دسته حلقوی متصل به لبهٔ ظروف قابل شناسایی است. در این دوره تزئین دوایر متداخل و چشمی توسعه می‌یابد. سفال‌های کوراارس III نیز در گوی تپه K3، گودین IV، شنگاویت IV، کول تپه نخجوان، کواتسخلبی گرجستان و محوطه‌های ناحیهٔ کبان در آناتولی شرقی گزارش شده است. بازهٔ زمانی مطرح شده برای دوره‌های سه گانهٔ کوراارس در محوطه‌های مختلف بین: ۳۵۰۰/۳۷۰۰ تا ۲۰۰۰ ق. م است[۱] (نیاکان، ۱۳۹۸: ۲۰-۱۳).

نتیجه گیری

شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهد که تپه بریس یکی از محوطه‌های شاخص در شهرستان نمین است که یافته‌های فرهنگی فراوان و متنوعی از دوره‌های مختلف پیش از تاریخی، تاریخی و دوران اسلامی دارد. در این مقاله، نتایجی که در راستای پرسش‌های مطرح شده به دست آمد شامل: در پاسخ به پرسش اول، بر اساس گمانه‌های کاوش شده به نظر می‌رسد که مرکز محوطه و عمدهٔ ارتفاع لایه‌های فرهنگی آن متعلق به عصر مفرغ قدیم (کوراارس یا همان یانیق) است. هم‌چنین در برخی گمانه‌ها قطعات محدودی از سفال‌های عصر آهن (عصر آهن ۳) و سپس سفال چرخ‌ساز ساده از دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) شناسایی شد که جزئیات آن‌ها و نمونه‌های هم‌سان به دست آمده از سایر محوطه‌ها در نتایج یافته‌های فرهنگی گمانه‌ها آمده است. پس از آن، در دوران اسلامی میانه (سلجوقی- ایلخانی) شواهد سکونتی قوی وجود دارد که بیشتر در اطراف تپه مرکزی دیده می‌شود. یکی از گمانه‌های ضلع شمالی تپه (T019) بر روی تنوری از دوران اسلامی میانه قرار داشت. سفال‌های این دوران به شکل سفال‌های لعاب‌دار ساده و منقوش با تکنیک‌های اسگرافیاتو، نقاشی زیر لعاب، نقش دو رنگ زیر لعاب و نقاشی روی لعاب بود. در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت که عمدهٔ یافته‌های فرهنگی گمانه‌ها متعلق به قطعات سفال کوراارس در عصر مفرغ قدیم و سپس دست ابزارهای سنگی از همین دوره بود. عمق نهشته‌های فرهنگی تپه بریس نیز در همین دورهٔ کوراارس به ۷ متر می‌رسد. عمدهٔ سفال‌های کوراارس در تپه بریس از گونهٔ ساده و بدون نقش بودند و به نظر می‌رسد که اوج فرهنگ کوراارس در تپه بریس بیشتر در همان دورهٔ کوراارس II است. زیرا شواهد باستان شناختی در محوطه‌های کوراارس در ایران نشان می‌دهد که سفال‌های کوراارس III دارای درصد سفال‌های منقوش بالایی است. هرچند که مطالعات باستان‌شناختی نشان می‌دهد شمال‌غربی ایران در سه فاز کوراارس از ۳۵۰۰/۳۷۰۰ تا ۲۰۰۰ ق. م مسکونی بوده است. علاوه بر این‌که در سه گمانه، شواهدی از تنور به دست آمده است، در بخش برش خوردهٔ تپه به وضوح آثار معماری چون دیوارهای خشتی – چینه‌ای و کف خانه‌ها قابل تشخیص بود. در بررسی سطح و دامنهٔ تپه یک پیکرک مسبک انسانی کوچک (تعویذ یا آیینی) از جنس سنگ صابون احتمالاً از عصر مفرغ (کوراارس) به دست آمده که سطح آن با دوایر تودرتو و شبیه به تزیینات سفال یانیق تزیین شده بود. هم‌چنین یک دست‌بند مفرغی و ظروف کوچک گلی در کف یک ظرف سفالی پیدا شد. علاوه بر این پیکرک‌های سفالی (گاو)، قطعات ابسیدین، توکن‌های سفالی و استخوانی نیز در بین یافته‌های برخی گمانه‌ها وجود داشت که بیان‌گر وجود نظام مبادلاتی یا حساب‌رسی در دورهٔ پیش از تاریخی محوطه بوده است. همچنین شواهدی از تدفین در یک بافت مسکونی از دیوارهٔ برش خوردهٔ تپه بریس نشان می‌دهد که تدفین در کف منازل مسکونی انجام می‌گرفته است. یافت شدن سربارهٔ کوره در دیوار برش خورده تپه بریس، می‌تواند شواهدی دالّ بر حضور فعالیت‌های صنعتی چون تولید سفال در همین دورهٔ عصر مفرغ قدیم باشد.

پی نوشت

[۱]. برای مطالعات بیشتر رجوع شود به: (Rothman, 2015. Palumbi,2013. Aşurov 2002. Burney1961. 1962. 1972. Burney& Lang 1971. Sagona 2000. Seyedov 2000. Summers 1984. Young 1969).

کتاب‌نامه

۱. ابراهیمی‌پور، صلاح الدین. ۱۳۹۸، «بازخوانی تپه ربط ۲ و ارائه پیشنهادی برای جایگاه و کارکرد آن در هزارهٔ اول پ. م». در مجموعه مقالات همایش بین المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار. به کوشش یوسف حسن زاده، علی اکبر وحدتی، زاهد کریمی. جلد ۱، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و موزه ملی ایران. سنندج: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان، صص: ۲۴۲-۲۲۸.

۲. اشتوکلین، یووان. ۱۹۶۸، زمین شناسی و زمین ساخت فلات ایران، مترجم صادق حداد کاوه و حسن حسنعلی‌زاده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. افشاری، لیلا، نقشینه، امیرصادق. ۱۳۹۳، «توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفال‌های دورهٔ اشکانی گورستان سنگ شیر همدان»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شمارهٔ ۷، دوره چهارم، پاییز و زمستان، صص: ۱۳۲-۱۱۳.

۴. آقالاری، بایرام. ۱۳۹۸، «برهمکنش فرهنگی شمال غرب ایران و شرق آناتولی در عصر مفرغ قدیم (هزاره سوم قبل از میلاد)»، دو فصلنامه پژوهش‌های باستان شناسی، شماره ۲۲، دوره نهم، پاییز، صص: ۶۶-۴۷.

۵. آقالاری، بایرام، ده پهلوان، مصطفی. ۱۳۹۰، «شاخصه‌های فرهنگی شمال‌غرب ایران در دوره اشکانی (با نگاهی به یافته‌های فصل دوم کاوش در تپه کهنه پاسگاه تپه سی)»، مجله مطالعات باستان شناسی، دوره ۳، شماره ۱، شهریورماه، دانشگاه تهران، صص: ۴۳-۱۵.

۶. ایروانی قدیم، فرشید، ممی‌زاده گیگلو، سلیمان. ۱۳۹۱، «گونه شناسی و معرفی سفال‌های عصر آهن کورگان‌های جعفرابادخداآفرین (فصل اول کاوش)»، مجله مطالعات باستان شناسی، شمارهٔ ۲، دورهٔ ۴، پاییز و زمستان، (شماره پیاپی ۶)، صص: ۵۰-۳۳.

۷. پورفرج، اکبر. ۱۳۹۶، «تبیین و گاه‌نگاری فرهنگ‌های هزاره‌ی اول ق. م در شهرستان نیر اردبیل»، مجله مطالعات باستان شناسی، سال ۹، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۵۴-۳۷.

۸. توحیدی، فائق. ۱۳۷۹، فن و هنر سفالگری، تهران، انتشارات سمت.

۹. حصاری، مرتضی، اکبری، حسن ۱۳۸۴، «گزارش گمانه زنی تپه ایدیر اصلاندوز»، گزارش‌های باستان شناسی ۴، تهران: پژوهشکده باستان شناسی، صص: ۲۹-۱۳.

۱۰. حیدریان، محمود. ۱۳۹۶، «شواهد باستان شناختی حوضهٔ آب گیر سد احمد بیگلو، مشکین شهر»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان شناسی ایران، شمارهٔ ۱۳، دورهٔ هفتم، تابستان، صص: ۲۴-۷.

۱۱. خدادوست، جواد؛ موسوی‌حاجی، سیدرسول؛ تقوی، عابد؛ علی‌یاری گوکی، شهین. ۱۳۹۶، «بررسی و مطالعه تحلیلی سفالینه‌های محوطه مالین؛ شهرستان باخزر (خراسان رضوی)»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۱۲، دانشگاه بوعلی همدان، صص: ۱۷۲- ۱۵۷.

۱۲. داودی، حسین، مشکور، مرجان. ۱۳۹۸، «اقتصاد زیستی طی عصر مفرغ و آهن در شمال‌غرب ایران بر اساس پژوهش‌های باستان جانورشناسی در تپه حسنلو»، در مجموعه مقالات همایش بین المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار، جلد ۱، به کوشش یوسف حسن زاده، علی اکبر وحدتی، زاهد کریمی، تهران انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و موزه ملی ایران، صص: ۵۱۴-۴۸۴.

۱۳. رضالو، رضا. ۱۳۸۸، گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستانشناسی (منتشر نشده).

۱۴. رضالو، رضا ۱۳۸۹، گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستانشناسی (منتشر نشده).

۱۵. رضالو، رضا. ۱۳۹۰، گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خرم‌آباد مشگین شهر، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستانشناسی، (منتشر نشده).

۱۶. رضالو، رضا. ۱۳۹۳، کاوش گورستان باستانی خرم‌آباد، مشکین شهر، مقالات دوازدهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، تهران.

۱۷. رضالو، رضا، آیرملو، یحیی. ۱۳۹۳، «فرهنگ دوران مفرغ جدید و آهن I دشت اردبیل، مطالعهٔ موردی قلعه خسرو و قلعه‌های اقماری»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان شناسی، شماره ۶، دوره چهارم، بهار و تابستان، صص: ۸۴-۶۵.
۱۸. رضالو، رضا؛ و زبان‌بند، نسرین. ۱۳۹۴، «فرهنگ یانیق یا کوراارس، تأکیدی بر عنوان کوراارس براساس مطالعات آماری»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۸، دوره پنجم، بهار و تابستان، صص: ۱۷-۷.
۱۹. رضائی، مصطفی، محمدی، مریم. ۱۳۹۹، «مطالعه تاریخی و باستان شناسی محوطهٔ اسلامی آنداجین همدان»، مطالعات باستان شناسی، دانشگاه تهران، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۱، بهار، صص: ۱۵۹-۱۴۰.
۲۰. زارعی، محمد ابراهیم، خاکسار، علی، مترجم، عباس، امینی، فرهاد، دینی، اعظم. ۱۳۹۳، «بررسی و مطالعه سفال‌های دورهٔ ایلخانی به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود»، مطالعات باستان شناسی، دانشگاه تهران، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان، صص: ۹۰- ۷۳.
۲۱. زارعی، محمد ابراهیم، شعبانی، محمد. ۱۳۹۸، «بررسی و تحلیل گونه شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دورهٔ صفوی منطقهٔ همدان»، مطالعات باستان شناسی پارسه، پژوهشگاه میراث فرهنگی، شمارهٔ ۸، سال سوم، تابستان، صص: ۱۲۶-۱۰۹.
۲۲. زلقی، علی، آقالاری، بایرام. ۱۳۸۶، گزارش کاوش باستان شناختی کهنه تپه سی (حوضه آبگیر سد خداآفرین)، مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
۲۳. ستارنژاد، سعید، اسماعیلی عتیق، حسین، رحمت پوز، محمد، ژاله اقدم، جواد، توحیدی، محسن ۱۴۰۰، «گزارش مقدماتی فصل نخست کاوش باستان شناختی گورستان سرند- دغدغان آذربایجان شرقی»، دو فصلنامهٔ پژوهش های باستان شناسی، شماره ۳۰، دوره یازدهم، پاییز، صص: ۱۰۰-۷۳.
۲۴. سرخ‌آبی، عبیدالله، سلیمی، صلاح. ۱۳۹۸، «محوطه گورینگان، شواهدی جدید از عصر آهن در دشت پیرانشهر»، در مجموعه مقالات همایش بین المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار. به کوشش یوسف حسن زاده، علی اکبر وحدتی، زاهد کریمی. جلد ۱، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: موزه ملی ایران. سنندج: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان، صص: ۲۲۷-۲۰۸.
۲۵. شریفی، مهناز. ۱۴۰۰، «بررسی نفوذ فرهنگ کوراارس در دامنه‌های شرق زاگرس مرکزی (بر اساس پژوهش‌های باستان‌شناسی تپه چال پیرتاج، کردستان)، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی همدان، شمارهٔ ۳۰، دورهٔ یازدهم، صص: ۵۳-۲۹.»
۲۶. عابدی، اکبر. ۱۳۹۰. بررسی و تحلیل داده های باستان شناختی محوطه کول تپه جلفا و مقایسهٔ تطبیقی- تحلیلی یافته‌های آن با مناطق همجوار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
۲۷. عابدی، اکبر. ۱۳۹۵، «گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطهٔ کول تپهٔ هادی‌شهر، شمال‌غرب ایران»، مطالعات باستان‌شناسی، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان، دانشگاه تهران، صص: ۱۱۱-۹۱.
۲۸. علی‌دادی، حسین. ۱۳۹۵، «معرفی سفال منطقه قلعه کهنه جندی‌شاپور»، مجلهٔ باستان شناسی ایران، دورهٔ۶، شمارهٔ ۱، شماره پیاپی ۱۰. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، صص: ۸۴-۷۳.
۲۹. علیزاده سولا، محمد، رضالو، رضا، حاجی زاده، کریم، افخمی، بهروز. ۱۳۹۷، «بررسی های باستان شناختی شرق آذربایجان، فصل اول: شمال شهرستان نمین، استان اردبیل»، مطالعات باستان شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص: ۲۳۸-۲۲۱.
۳۰. غفارزاده، قنبر. ۱۳۸۱، پرونده ثبتی تپه بریس، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی وگردشگری استان اردبیل (منتشر نشده).
۳۱. کامبخش فرد، سیف الله. ۱۳۸۶، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیاء معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق گرا، جلد ۱ یادمان ها و باورهای اساطیری فراموش شده، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

۳۲. لباف خانیکی، میثم. ۱۳۸۷، «سفال‌های ساسانی شمال‌شرق ایران (طبقه بندی، مقایسه و تحلیل بر اساس ویژگی‌های شکلی)»، مجلهٔ علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شمارهٔ ۴-۱۸۶، دورهٔ ۵۹. صص: ۱۷۷-۱۴۳.
۳۳. لوشای، هاینتس. ۱۳۸۵، «سفال‌های به دست آمده از بنای مغولی» در بیستون؛ کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷ میلادی، ولفرام کلایس، هاینتس لوشای و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص: ۳۷۴-۳۳۳.
۳۴. مجیدی، طاهره، میترا آقاجانی، عذرا حسن‌لو، فاطمه مهشادنیا، نوشین آقابابازاده، علیرضا رضایی، معصومه محمودی، بهرام محقق، حامد رستگارپور، مریم سادات میرکاظمیان. ۱۳۹۵، نقشه راه علوم زمین و معدن استان اردبیل، تهران: سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور.
۳۵. محمدی، مریم، شعبانی، محمد. ۱۳۹۵، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد-بهار، همدان»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی همدان، شماره ۱۱، دوره ششم، پاییز و زمستان، صص: ۱۵۰-۱۳۵.
۳۶. محمدی‌فر، یعقوب، طهماسبی، الناز. ۱۳۹۳، «طبقه بندی سفال ساسانی دره سیمره، مطالعه موردی: قلعه سیرم شاه»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان شناسی ایران، شمارهٔ ۷، دورهٔ چهارم، پاییز و زمستان، صص: ۱۵۲-۱۳۳.
۳۷. مهجور، فیروز، ابراهیمی نیا، محمد، صدیقیان، حسین. ۱۳۹۰، «بررسی باستان شناسی سفال‌های دورهٔ اسلامی محوطهٔ باستانی نچیر خانلق ری»، مطالعات باستان شناسی، دانشگاه تهران، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان، شمارهٔ پیاپی ۴، صص: ۱۹۲ - ۱۷۳.
۳۸. نیاکان، لیلی. ۱۳۹۸. «شواهدی از عناصر تزئینی سفال‌های عصر مفرغ قدیم یانیق‌تپه»، فصلنامهٔ علمی مطالعات باستان شناسی پارسه، سال سوم، شمارهٔ ۸، تابستان، صص: ۲۴-۷.
۳۹. هژبری نوبری، داودی، حسین، موسوی کوهپر، سیدمهدی، مشکور، مرجان. ۱۳۹۷، «بررسی نظام معیشتی مردمان شمال‌غرب ایران در عصر آهن بر مبنای پژوهش‌های باستان‌شناسی زیستی در تپهٔ حسنلو»، دو فصلنامهٔ پژوهش‌های باستان شناسی ایران، شمارهٔ ۱۶، دورهٔ هشتم، بهار، صص: ۱۸۲-۱۶۵.
۴۰. هژبری نوبری، علیرضا، پورفرج، اکبر. ۱۳۸۵، «تبیین دوران نوسنگی و کلکولیتیک منطقه اردبیل بر اساس داده‌های باستان‌شناسی قوشاتپه شهریری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، شماره ۲ (۱۸۰)، صص: ۲۶-۱.
۴۱. هول، فرانک. ۱۳۸۳، باستان شناسی غرب ایران، مترجم زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
42. Abedi, A. Khatib Shahidi, H., Chataigner, C. Niknami, K., Eskandari, N., Kazempour, M., Pirmohammadi, A., Hoseinzadeh, J., Ebrahimi, G., 2014, Excavation at Kul Tepe of (Jolfa), northwestern Iran, 2010: first preliminary report, *Ancient Near Eastern Studies*, 51: PP. 33-167.
43. Aşurov, S. H., 2002, *Naxçıvan'da İlk Tünc Keramikası*. Baku: Nafta Press.
44. Brown, B, 1951., *Excavation in Azarbaijan 1948*. London.
45. Burney, C. A. & Lang, D., 1971, *The People of the Hills, Ancient Ararat and Caucasus,* New York.
46. Burney, C. A., 1961, The Excavation at yanik tape, west Iran, report. *Iraq* 23. pp:138-53,
47. Burney, C. A., 1962, The excavation at yanik tape, Azerbajan, 1961, second Preiminary report". *Iraq*. *24*, pp: 134-49.
48. Burney, C. A., 1972, The Eexcavation at Haftvan, 1971, Third Preiminary report. *IRAN*, no. 11. pp: 158-72.
49. Burney, C. A., 1975, Excavation at Haftvan Tepe fourth preliminary report*; Iran, 13*; pp: 149-164.
50. De Morgan, J., 1905*, Recherches au Talych Persaen 1901, in Necropoles des ages du Bronye et du fer, MOP VIII, Pp: 251- 345.*
51. Dyson, R.H., 1965, Hasanlu Excavations 1964", *Archaeology 19 (2) :* PP. 157-159.
52. Heinsch, S, Shirzadeh, G, Hajmoradi, Q, Darvishzadeh, A, Kunter, W., 2019, A contribution to the Iron Age Period in West Azerbaijan Province, Iran in Light of new research: Anaqizli Tapeh. In the book: *Proceedings of the International Conference on The Iron Age in Western Iran and Neighbouring Regions, Vol.2*. Edited by: Yousef Hassanzadeh Ali A. Vahdati Zahed Karimi. Tehran and Sanandaj,

Research Institute for Cultural Heritage and Tourism (RICHT), National, Kurdistan Province ICHHTO.PP. 94-112.
53. Kleiss, W. 1969, Beridt uberzwei er kundun gsfahrten in nordwest Iran*, AMI 2:* PP.7-119.
54. Kroll, S., 1984, Archaeologische fundplateze in Iranisch-ost-Azarbaidjan*, AMI 17:* PP. 13-135.
55.Palumbi, G., 2013, January. Push or Pull Factors? The Kura-Araxes Expansion from a Different Perspective: The Upper Euphrates Valley. In *At the Northern Frontier of Near Eastern Archaeology: Recent Research on Caucasia and Anatolia in the Bronze Age*.53. Reitz, E, J, and Shackley, M., 2012, *Environmental Archaeology*. Springer Science&Business Media. Pp: 113-132.
56. Rothman, M., 2015, "Early Bronze Age migrants and ethnicity in the Middle Eastern mountain zone". *PNAS*, Vol. 112, No. 30, Pp: 9190-9195.
57. Sagona, A., 2000, Excavation at Sos Hoyuk, 1998 to 1999: Fifth Preliminary Report, *Ancient Near Eastern Studies,* Vol. 37, pp: 56-127.
58. Sagona, A. 1993. Settlement and Society in Late Prehistoric Trans-Caucasus, in M. Frangipane, H. Hauptmann, M. Liverani, P. Matthiae, M. Mellink (eds), *Between the Rivers and over the Mountains, Archaeologica Anatolica et Mesopotamica Alba Palmieri Dedicata*, Roma: 453-474.
59. Seyedov, A. G., 2000, *Naxiçevanın İlk Tünc Dövrü Abidələri və Onlaın Dövrələşdirməsi.* Bakı Çaşio.
60. Sharifi, M., 2020. Excavations at Barveh Tepe: New Insights into the Early Bronze Age in Northwest Iran. *Journal of Near Eastern Studies*, *79*(2) , pp.287-303.
61. Sharifi, M., 2021. Cultural Interactions of Little Zab River Basin in Chalcolithic/Bronze age Northwest of Iran. *Journal of Archaeological Studies*, *13*(3) , pp.93-116.
62. Sharifi, M., 2022. The Late Chalcolithic Settlement of Gird-i Ashoan in the Zab Basin, Northwest Iran. *Ancient Near Eastern Studies*, *59*, pp.55-81.
63. Summers, G. D., 1984, A study of Architecture, Pottery and other material from Yanik Tepe, HaftavanTepe VIII and Related Sites. Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology. University of Manchester.
64. Summers, G. D., 2004, YanikTepe and the Early Trans-Caucasia Culture: Problems and Perspectives. *in: A View from The Highlands: Studies in Honour of Charles Burney.* (Sagona A. ed.), Leuven: Peeters (Ancient Near Eastern Studies Suppl. 12) , pp. 617-643.
65. Summers, G.D., 2013, The Early Bronze Age in Northwestern Iran. D. T. Potts (ed. The *Oxford Handbook of Ancient Iran*. Oxford University Press, Pp:163-180.)
66. Young, T. C. J. 1969. *Excavations in GodinTepe; First Progress Report.* Royal Ontario Museum.